



۲۰۱۶/۱۱/۰۵



بهاؤل ملک

شرح حال عبدالملک عبدالرحیم زی

در آثار نویسندگان

بخش اول



افغانستان سرزمینی در منازعه تاریخی آسیای میانه

نویسنده: ماکس کلیم بورگ

نویسنده این کتاب پروفیسور ماکس کلیم بورگ "Max Klimburg" یکی از کهن سال ترین افغانستان شناسان اروپایی می باشد. موصوف از سال ۱۹۵۶م بدین سو به افغانستان سفر می نماید و با مطالعات و تحقیقات در باره این کشور، آثار ارزشمند علمی را به رشته تحریر درآورده است. در اوایل دهه هفتاد میلادی به گوشه های مختلف نورستان رفته و تحقیقات ساحوی در بخش ثقافت و فرهنگ منطقه انجام داده است.

دیوید کتز "David Katz" امریکایی و ماکس کلیمبورگ اتریشی از جمله دانشمندانی هستند که آثار معیاری علمی را در مورد نورستان نوشته اند. نتایج تحقیقات ماکس کلیم بورگ در سلسله کتاب «ادیان مردم هندوکش»، اثر علمی آمر بخش مردم شناسی انستیتوت جنوب آسیای پوهنتون هیدلبرگ و استاد بزرگوارم پروفیسور کارل بتمبر "Karl Jettmar" به نشر رسیده است.

ماکس کلیم بورگ ضمن تحقیقات علمی، بعد از داکتر پیتر سنوی "Peter Snoy" آمر شعبه کابل انستیتوت جنوب آسیا بود، در دهه هفتاد میلادی در چوکات توأمیت علمی انستیتوت جنوب آسیای پوهنتون هیدلبرگ با پوهنخی ادبیات و علوم بشری، در پوهنتون کابل تدریس می نمود.

از سال ۲۰۰۴ میلادی به بعد، پروفیسور ماکس کلیمبورگ از طرف سازمان یونسکو توظیف گردید، تا آثار تخریب شده موزیم کابل را شناسایی و صنف بندی نماید. عشق و علاقه فراوان این دوستدار افغانستان را که عمرش کم و بیش هشتاد و پنج سال است، بار بار به سوی این دیار می کشاند.

روزی در کابل برایم زنگ زد و از درد دندان شکایت نموده و خواهش کرد که، او را نزد یک داکتر دندان افغان ببرم.

برایش گفتم: آیا بهتر نیست به کلینیک اروپایی ها برویم؟

گفت: نه، می خواهم یک داکتر افغان دندانم را معاینه نماید. ویرا در بازار میرویس میدان (کوته سنگی) به معاینه خانه داکتر سید همایون نواسه میر عبدالعزیز خان والی اسبق کابل بردم.

داکتر همایون که از مراجعه یک مریض خارجی در معاینه خانه اش متعجب شده بود، از من پرسید که، او چه کاره است؟ ماکس کلیم بورگ را برایش مختصر معرفی نمودم و اضافه نمودم که جهت شناسایی و صنف بندی آثار تخریب شده موزیم به کابل آمده است. این داکتر حاذق، با مهارت تمام دندان پوسیده داکتر کلیم بورگ را کشید. اما از اخذ حق الزحمه ابا و ورزید. با اصرار ما در مورد تأدیه حق الزحمه گفت: من هیچگاه نمی توانم از کسی که سال ها در خدمت وطن بوده است، پول طلب نمایم.

اما اصل سخن:

پروفیسور ماکس کلیم بورگ اثر خویش «افغانستان سرزمینی در منازعه تاریخی آسیای میانه» را در سال ۱۹۶۶م نوشته که، توسط سازمان یونسکو در شهر وینا کشور اتریش به چاپ رسیده است.

این بخش کتاب مذکور توسط داکتر عبدالرحیم نوین، ناشر جریده ترجمان و وزیر اطلاعات و کلتور دور زمامداری سردار محمد داؤد خان ترجمه گردیده است.

Afghanistan Das Land im historischen Spannungsfeld Mittelasiens
Max Klimburg
Orient-Okzident-Reihe der Österreichischen UNESCO-Kommission
Band ۴ Austria Edition, Wien ۱۹۶۶

نام کتاب: افغانستان سرزمینی در منازعه تاریخی آسیای میانه

مؤلف: ماکس کلیم بورگ

ناشر: سلسله نشریات شرق و غرب، کمیسیون اتریش یونسکو - جلد چهارم مطبوعه استریا، وین ۱۹۶۶

(صفحه ۷۸ الی ۸۱)

حیات اجتماعی مسابقه وی تحت قیادت محمد داؤد

افغانستان در سال ۱۹۵۳ به یک حالت بحرانی و مضیق اقتصادی مواجه گردید. زیرا معاونت های اضلاع متحده آمریکا، بدو به مایوسی های تلخ مواجه شد. پس مشاورین خاندانی تصمیم گرفتند تا عنان خط مشی خود را تغییر بدهند. شاه محمود خان ناگزیر استعفاء نمود و به جایش محمد داؤد زمام حکومت را بدست گرفت.

صدراعظم جدید پسر عم و علاوتاً شوهر همشیره شاه، یک شخصیت قوی و معتنا بود که، خود را به یک سیاست متزلزل اجتماعی، آزادیخواهی پشتونستان و یک سیستم (شکل) اقتصادی اداره شونده ذریعه دولت تحت پلان پنجساله مصروف ساخت. تشکل یک دموکراسی مشابه به زمان قیادت شاه محمود خان در قبال محمد داؤد که شخص اوتوکرات بود بطور ممتنع (منفی) قیام نمود یعنی مخالف نظریه وی بود.

خیلی ها قبل از نامزد شدن محمد داؤد به صدارت، وی یک اقدام خیلی مهمی جهت عملی ساختن سیاست خارجی آینده خود نموده بود. در ماه مارچ ۱۹۵۳ وی به حیث نماینده رسمی افغانستان در مراسم تدفین "ژوزف ستالین" سهم گرفت و در ظرف مدت اقامت خود در مسکو تماس های شخصی نهایت قیمت داری با سران دولت شوروی قایم نمود.

در سال های متعاقب آن نفوذ و تأثیرات کشور شوروی در افغانستان آنچنان بطور ناگهان و صاعقه نما بلند رفت که امریکاییان از خواب غفلت بیدار شدند و وضعیت مقابله با شوروی را اتخاذ نمودند. سیاست میلان دو جانبه محمد داؤد مؤثر ثابت شد چه افغانستان به طور یک مکتب نمونه جهت تشبثات مستقیم هر دو دولت مقتدر واقع گردید.

ترقیاتی که در عصر محمد داؤد به کمک و معاونت های خارجی صورت گرفت قابل ملاحظه است. اما یقیناً این پیشرفت و ترقیات مؤثر تر و بهتر می شد، اگر از تشنجات با کشور پاکستان و در عین حال از بین رفتن وزیر مالیه یعنی عبدالملک عبدالرحیم زی از قوم غلجایی جلوگیری می شد.

محمد داؤد با عبدالملک که از یک دودمان مشخص و معروف دره لوگر واقع در جنوب کابل، دوستی و رفاقت پارینه را بنا کرده و در مسایل سیاسی و اقتصادی اتفاق نظر حاصل نموده بودند.

به کمک محمد داؤد، عبدالملک به مقامات و رتبه های عالی نائل شد. وی در سال ۱۹۴۶ جنرال انسپکتر در وزارت دفاع ملی مقرر گردیده و در سال ۱۹۵۰ رئیس لوازم اردو شد.

عبدالملک ذریعۀ ترتیبات جدی خویش به مقابل ارتشاء، خیانت و تقلب و سایر بی نظمی ها مقام و منزلت محترمی کمایی نمود اما، در عین حال دشمنان زیادی هم.

عبدالملک در کابینه جدید مقام و مرکزیت را به حیث دست راست و در ابتدا یک دست خیلی قوی صدراعظم را حاصل نمود. در رأس دو وزارتخانه مهم یعنی مالیه و اقتصاد، از عملی ساختن مفکوره و خواهشات بزرگ خود مبنی بر اینکه امور اقتصادی کشور را تحت اداره دولت در آورد تعطل نکرد و در قبال اداره و منظور کپیتالیستی اقتصادی بانک ملی، جداً قیام نمود.

بعد از آنکه در سال ۱۹۵۶ پلان پنج ساله افغانستان را آغاز و سطح اقتصاد را بلند برد، دفعتاً در آغاز سال ۱۹۵۷ محبوس گردید که هنوز هم در همان جا می باشد. محاکمه علنی کرده نشد و حقیقت علل سیاسی آن معلوم نیست.

امکان دارد که عبدالملک قربانی دسیسه بین دول (شرق و غرب) گردیده باشد و هم شاید طرز اداره جدید و اندکی بیباکانه وی، مقابله شدیدش در قبال مأمورین متخلف، سبب سقوطش را فراهم نموده باشد. حتی این امر هم نا ممکن نیست که شاه نسبت احراز سلطه و قوه فوق العاده پسر عم خود (محمد داؤد) خائف گردیده و ازین لحاظ مهمترین و قوی ترین معاونین وی را بر طرف نموده باشد.

بعضی افواها (اطلاعات) رسمی حاکی است که عبدالملک به مدد کدام قوای خارجی تعمیل کودتائی را در نظر داشته است. بهر حال با بر طرف شدن این چنین یک وزیر مالیه که، به چنین سرعت کسب شهرت نموده بود. محمد داؤد نه تنها یک دوست و رفیق همفکر و خیلی فعال خود را بلکه، روح و رأس عامل تشکیلات متجدد سبقت جسته و محرک اقتصادیات را از دست داد.

هر دو وزیران خلف عبدالملک در وزارت خانه های مالیه و اقتصاد (وزارت اخیرالذکر به وزارت تجارت تعدیل گردید) یعنی عبدالله ملکیار و غلام محمد شیرزاد به حیث اقارب و خویشاوندان دودمان سلطنت، که از اعتماد تام وی (محمد داؤد) برخوردار بودند. قوه محرکه سلف خود را بکلی گم کرده و بدون پروگرام اساسی و یا کدام سرمشق عملی کار نمودند. لهذا در ساحه اقتصاد به زودی بعضاً حالت انجماد و بی نظمی ها رو نما شد و اخیراً بحران و تشنجات بزرگ با کشور پاکستان در سال ۱۹۶۱ الی ۱۹۶۳ وضعیت را به اندازه غیر قابل تحمل شدید تر ساخت.

جای آن نیست که در اینجا فعالیت های تعدیل تشکیلات عبدالملک به صورت مفصل با تفرعات آن تعریف گردد اما نا گزیر به بعضی نقاط آن باید اشاره داده شود.

اظهارات مکرر عبدالملک مبنی بر بلند بردن سویه حیاتی عمومی گرچه حیثیت یک کلمه شاخص و حلاجی شده را دارد اما در

اینجا بدان معنی فهمیده و تلقی شده نمی تواند.

جهت عملی ساختن این چنین اهداف بایستی یک حجم خیلی بزرگ وسیله مالی در اقتصادیات سرمایه گذاری شود و حلقه های حتی الممکن عریض و بزرگ ملت در زمینه تنویر و تربیه شود، تا آنها به مقصد همکاری بدست آمده بتوانند و از طرف دیگر امکانات سوء استفاده های بزرگ از صلاحیت ادارات و اشخاص تحت کنترل گرفته شود.

در حالیکه ملت کنترل را بدست گرفته نتواند باید این امر وظیفه و تکلیف دولت باشد اما در اینجا ذاتاً آن چنان یک حکومتی موجود بود که در بی نظمی و طرز العمل های منافی آغشته بود و لازم بود که خود حکومت کنترل کرده می شد. وزیر مالیه طبق ایجاب این نصب العین ها به روحیات جامعه تقرب جسته تأیید نمود که مکلفیت کنترل به عهده حکومت می باشد. در سال ۱۹۵۴ برای اولین بار پیشنهادات بودجه وی را به محضر عام توضیح نمود. الی این زمان معاملات بودجه وی سری صورت می گیرد. چندین پروژه انکشافی را مطرح نمود. بانک های جدید دولتی را تأسیس کرد تا سر چشمه های عواید دولت را تعدیل و تجدید نماید. و جهت دریافت قرضه های دول خارجی تثبیت نمود و در عین حال شعبات و ساحه های وسیع را که بانک ملی حایز آن بود نیز حمایه نمود و آنرا مستند ساخت.

مقابله جدی بر علیه بانک ملی، ذریعه تنقیدات شدید در ظرف دوره دیموکراتیک از ۱۹۵۲ - ۱۹۴۹ پیشبینی و قبلاً آمادگی گرفته شده بود. اما خود حکومت اکنون در زمینه دخالت نمود. بانک ملی را بابت فرو گذاشت و تخلف در پرداخت مالیات بر عایدات مقصر ساخته و سیاست کریدت بانک مذکور را مورد تنقید قرار داد و بانک ملی را به این امر متهم ساخت که، مفاد عامه را قربان مفکوره های اضافه ستانی خود نموده است.

بالای بانک ملی و یک تعداد شرکت های مربوطه اش هیئتی کنترل (تفتیش) مقرر گردید. از بعضی شرکت ها صلاحیت سهم حذف شد. بانک ملی و ادار کرده شد که مقام و حیثیت انحصاری خود را بطور قطعی به حکومت واگذار شود. در حکومت افغانستان مرکز سیاست اقتصادی را تأسیس نمود. قوه کپیتالیزم (سرمایه داری) جوان افغانی سلب گردید. پلان پنجساله اول برای سنوات از ۱۹۵۶ الی ۱۹۶۱ میتواند به حیث کمایی شخصی عبدالملک مشاهده گردد. اما باید متذکر شد که اساس آنرا محمد داؤد بذریعه سیاست خارجی خود و آن معاونت ها و کمک ها را که برای کشور نهایت ضروری بود، تهیه نمود.

صفحه (۸۷)

اکثر افواها از آنست که، قبل از برطرفی محمد داؤد، یک سال کامل بین هر دو طرف عموزاده مجادله برسر اقتدار و قدرت جریان داشته است. لذا احتمال این امکانات هم موجود است که از بین رفتن وزیر مالیه و نزدیکترین همکار صدراعظم یعنی عبدالملک عبدالرحیم زی در سال ۱۹۵۷ اولین اقدام پادشاه به جهت برطرفی رقابت داخلی اعضای دودمان سلطنت بوده است.

صفحه (۹۰)

در زمان بکار انداختن و انفاذ قانون اساسی کشور، بتاريخ ۱۹۶۴/۱۰/۱ از حضور شاه، فرمان رهائی تمامی محبوسین سیاسی تا جائیکه از طرف کدام محکمه محکوم به حبس نشده باشند، صادر گردید.

عبدالرحیم زی هم بخشیده شد. معذالک وزیر مالیه اسبق و رفیق محمد داؤد (به حیث یگانه محبوس بخشیده شده) از خارج شدن از محبس تا زمانیکه اعاده حیثیت و آبرویش بطور علنی اعلان و نشر نشود و عدم جرمش نشر نگردد، امتناع ورزید. نظر به این طرز العمل وی قدر و منزلتش را در حلقه های جوانان و بالخاصه حلقه های منورین خیلی بلند برده و به اعلی اوج احترام رسانید.

(صفحه ۱۷۷)

در گذشته قریب تنها دو نفر از پشتون ها، رتبه و مقام بلند ترین را نزد حکومت حاصل کردند و آنها بعد از آنکه در اردو به

مقامات مناسب و عالی نائل گردیده و هم یک دوره تحصیلات عالی مخصوصه عسکری را در ترکیه طی نمودند. در اخیر سال ۱۹۲۹ محمد گل خان مهمند از قوم مهمند برای چند سال وزیر داخله شده و در سال ۱۹۵۳ عبدالملک از قوم غلجایی، برای چهار سال وزیر مالیه و وزیر اقتصاد گردید. هر دوی آنها اشخاص نهایت با شرف و صاحبان مفکوره های عالی ریفورم (تجدد)، تعدیل تشکیلات و هم خیلی کاردان ثابت گردیده بودند.

صفحه (۱۸۲)

توسط وزیر مالیه اسبق یعنی عبدالملک عبدالرحیم زی، یک شخص صاحب رسوخ از مذهب شیعه و رهنمای آن قوم یعنی علی اصغر شعاع، فوق العاده حمایه و معاونت حاصل نمود. وی با عبدالملک در سال ۱۹۵۷ محبوس گردید و بزودی در محبس بدرود حیات گفت.

صفحه (۲۵۸)

در سال ۱۹۵۴ / ۱۹۵۵ محمد داؤد و وزیر مالیه اش عبدالرحیم زی، اعتلای اقتصادی بانک ملی را تجدید نموده، یک بانک تجارتي (پشتنی تجارتي بانک) را تشکیل و با قوه تام برای تاسیس بانک های جدید و شرکت های نو با سهم حکومت کوشیدند.



بعد رهایی از زندان ۱۹۷۸م، از چپ به راست، پروفیسور ماکس کلیم بورك، عبدالرحیم زی، دوكتور سنوی، در جلو، پروفیسور دیبورا، افغانستان شناسان اتریشی، آلمانی و امریکایی و خواجه سلطان محمد صدیقی

یار زنده، صحبت باقی...

در قسمت بعدی، اقتباس از کتاب: سرگذشت یک ملت مظلوم در مسیر سده بیستم